فهرست مطالب:

[خطبه اول 2](#_Toc429378462)

[عزت و کبریای خداوندی 2](#_Toc429378463)

[استکبار ریشۀ تکبر 2](#_Toc429378464)

[ریشه تکبر 3](#_Toc429378465)

[تکبر منشأ بسیاری از رذایل اخلاقی 3](#_Toc429378466)

[حریم خداوند 3](#_Toc429378467)

[صفات جمال و جلال خداوند 3](#_Toc429378468)

[لازمۀ روابط 4](#_Toc429378469)

[خطبه دوم 4](#_Toc429378470)

[فضیلت دهه اول ذی الحجة 5](#_Toc429378471)

[اهمیت توسعه فضای سبز و درخت‌کاری 5](#_Toc429378472)

[رسیدگی به محرومان و نیازمندان جامعه 5](#_Toc429378473)

[مذمت تکدی گری در اسلام 5](#_Toc429378474)

[فضیلت کار کردن در اسلام 6](#_Toc429378475)

[رسیدگی به خانواده‌های شاهد 6](#_Toc429378476)

[انتقادپذیری دولت 6](#_Toc429378477)

[سهم مردم از دولت 6](#_Toc429378478)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**[[2]](#footnote-2)

# عزت و کبریای خداوندی

تکبر خصلت ناپسندی است. زمانی ما دچار این خصلت می‌شویم که در خود نسبت به دیگران برتری ببینیم. چراکه تمامی برتری‌ها و بزرگی‌ها از آن خداست.**: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَبِسَ الْعِزَّ وَ الْکبْرِیاءَ»[[3]](#footnote-3)**حمد و سپاس برای خداوندی است که عزت، بزرگی و کبریا را پوشیده است. از اوصاف خداوند تعبیر به لباس می‌شود و پوشیدن یعنی خداوند متصف به این صفات به‌صورت کامل است**. «وَ اخْتَارَهُمَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَلْقِه»[[4]](#footnote-4)** همگی باید عزت و ریاست و قدرت را تنها در وجود خداوند ببینند و هرگاه کسی این صفات را در وجود خود احساس کرد، دچار تکبر شده است.

# استکبار ریشۀ تکبر

تکبر و استکبار دو صفت ضمیمه انسانی است و تفاوت آن به گفته علمای اخلاق این است که استکبار حالت روحی است که در درون انسان است که خود را بزرگ ببیند، اما تکبر بزرگ‌نمایی است که در عمل انسان ظاهر می‌شود. عجب نیز مانند استکبار است ولی تکبر ظهور آن صفت است. هرگاه در برخورد دیگری فخر بفروشیم و او را تحقیر کنیم، این عمل در ظاهر نمود یافته است. اعمال ظاهری انسان از یک ویژگی روحی نشأت می‌گیرد. رفتار و اعمال اختیاری ما از حالات روحی ناشی می‌شود. چیزی که در درون انسان است، در ظاهر او تجلی می‌یابد، اما گاهی نفاق و دورویی نیز وجود دارد، حتی گاهی ممکن است خلاف این قضیه نیز وجود داشته باشد که روح کسی با ظاهر او یکسان نباشد. کسی که روح او بخیل است، طبعاً در مال خود نیز بخشش ندارد، اما دید انسان به مال، معنوی باشد، در ظاهر او نیز بخشندگی نمایان می‌شود. اگر انسان در درون خود خداوند را نبیند و هر آنچه دارد از آن خود ببیند، دارای روحی استکباری است.

# فراموشی یاد خدا، ریشه استکبار

 اساس استکبار و تکبر انسان در این امر است که او حد خود را نداند و خدا را در زندگی خود فراموش کند. او فراموش می‌کند که عزت و بزرگی از آن خداست**. «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِینَ»[[5]](#footnote-5)** ریشه استکبار در این است که اگر ثروتی، علمی یا مقامی داریم، برای خود ببینیم و بیش‌ازاندازه آن نسبت بر آن امر حساب بازکنیم.

# تکبر منشأ بسیاری از رذایل اخلاقی

بسیاری از مشکلات اخلاقی اجتماعی از تکبر برمی‌خیزد. زمانی که جدلی برمی‌خیزد، تکبر به انسان اجازه گذشت نمی‌دهد. زمانی که خطایی می‌کند به او اجازه عذرخواهی نمی‌دهد. تکبر به انسان اجازه تحقیر و مسخره کردن دیگران را می‌دهد. باعث ندیده گرفتن خوبی‌های دیگران می‌شود.

# حریم خداوند

امیرالمؤمنین در خطبه قاصعة ما را چنین متذکرمی شوند**: «وَ جَعَلَهُمَا حِمًی وَ حَرَماً عَلَی غَیرِه»**[[6]](#footnote-6)خداوند عزت و کبریا را حریم خود قرارداد. هرگاه انسان صفتی که مخصوص خداست به خود نسبت دهد و ادعا کند که مالک جاه و مقام و ثروت است، این انسان در حریم خداوند واردشده است. حمی در زبان عرب به این معناست که هرگاه گله‌ای را برای چرا می‌بردند، باید در منطقه مخصوص خود می‌بردند و به چراگاه‌های دیگران نباید تعدی می‌کردند. به همین جهت امام علی (ع) در حریم خاص خداوند حمی بکار برده است.

# صفات جمال و جلال خداوند

این‌که انسان در حد خود، از حیثیت خود دفاع کند، تکبر نیست. تکبر خارج شدن از حد خود است. «**وَ جعلهما حِمًی وَ حَرَماً عَلَی غَیرِه** **وَ اصْطَفَاهُمَا لِجَلَالِه**»[[7]](#footnote-7) ما از انسان‌ها به دو شکل تعریف می‌کنیم. گاهی می‌گوییم شخصی فلان نواقص را ندارد اما گاهی می‌گوییم او این صفات حسنه را دارا است. به همین شکل ما در مورد خداوند هم به دو گونه صحبت می‌کنیم. صفات ثبوتی خداوند صفاتی است که زیبایی‌های خداوند را می‌شمارد و می‌گوییم خداوند عالم و قادر است و به صفات جمال خداوند نیز مشهوراست. اما گاهی میگوییم خداوند از عیب و نقص منزه است و به صفات جلال مشهور است. حمد خداوند در مقابل اوصاف جمال اوست و تسبیح خداوند در برابر اوصاف جلال اوست.

# اصلاح رابطه با خدا لازمۀ روابط سالم

به فرموده امام علی استکبار چیزی بود که شیطان به آن دچار شد و لعنت ابدی خداوند نصیب او شد، چراکه به حریم خداوند تعدی کرده بود. او در برابر خداوند که همه‌چیز را از او داشت، تکبر کرد. ریشه بدی‌های شیطان در این است. ما نیز برای یک رابطه سالم و معنوی با خانواده و اعضای جامعه، ابتدا باید رابطه خود را با خداوند اصلاح کنیم. معرفت و محبت به خداوند در ظاهر ما تجلی خواهد کرد.

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1) اللَّهُ الصَّمَدُ (2) لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ (3) وَلَمْ یکنْ لَهُ کفُوًا أَحَدٌ (4)»[[8]](#footnote-8)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[9]](#footnote-9)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# فضیلت دهه اول ذی الحجة

**هفتم ذی الحجة 114 هجری قمری سالروز شهادت امام باقر (ع) می‌باشد. ایشان پایه گزار گسترش معارف شیعه می‌باشند. نهم ذی الحجة نیز شهادت حضرت مسلم می‌باشد. مسلم یار وفادار امام حسین (ع) و پیام‌آور عاشورا بود که شهادت او در کوفه به شکل مظلومانه صورت گرفت. دهم ذی الحجة نیز روز عظیمی است. به‌طورکلی دهه اول ذی الحجة فضیلت خاصی نسبت به تمام‌روزهای سال دارد و در مورد فضیلت آن روایات بسیاری است و بافضیلت ماه مبارک رمضان برابری می‌کند، بنابراین از این دهه همچون ماه رمضان کمال استفاده را در جهت تقویت بعد معنوی و اخلاقی خود ببریم. عمر ما در حال گذر است و آنچه می‌ماند اعمال ماست، پس‌ازاین عمر باید در جهت سعادت خود استفاده کنیم و این ایام فرصت مناسبی برای این عمل است، که خوشبختانه جوانان ما در استقبال از روز عرفه اشتیاق خوبی نشان می‌دهند.**

# اهمیت توسعه فضای سبز و درخت‌کاری

**با توجه به شرایط کشور ما، درختکاری، ایجاد فضای سبز به‌صورت فردی و اجتماعی یکی از ملزومات شمرده می‌شود. در جامعه امروز ما به حفظ محیط‌زیست و توسعه فضای سبز توجه لازم شود. مسئولین و دولت در این امر باید سهم بیشتری بگیرند و مردم نیز با حفظ زمین‌های کشاورزی و باغات و درختکاری می‌توانند نقش خود را ایفا کنند.**

# رسیدگی به محرومان و نیازمندان جامعه

**در ایام پایان سال، کمیته امداد و بهزیستی و خیرین نقش مهمی در رسیدگی به محرومان و نیازمندان داشته‌اند. در سال 78 علاوه بر کمک‌های بهزیستی و سازمان‌های دیگر و کمک‌های مردمی، کمیته امداد بیش از 200 میلیون بودجه دولتی برای کمک به خانوارهای مستمند داشته است. کسانی که تمکن مالی بیشتری دارند، در این امر می‌توانند سهم بیشتری بگیرند. آغاز سال طبیعتاً با خرید لباس و لوازمی برای منزل همراه است. در چنین شرایطی باید خانواده‌ها به کسانی که در سال جدید از این مسائل بی‌بهره‌اند، توجه داشته باشند، که اگر این توجه باشد طبعاً برای رفع نیازهای آن‌ها اقدام صورت خواهد گرفت. باید مراقب بود که بی‌احساسی نسبت به یکدیگر در جامعه حاکم نشود و روح تعامل و بیداری اجتماعی را زنده نگه‌داریم. کمک کردن باید آبرومندانه باشد و تلاش کنیم تا پنهانی صورت گیرد. این چیزی است که اسلام برای آن ثواب بیشتری قرار داده است.**

# مذمت تکدی گری در اسلام

**اسلام همان اندازه که بر تعهد اجتماعی و تعاون تأکید دارد، بر این‌که افراد اهل کار و تلاش باشند نیز تأکید ویژه دارد. روایات بسیاری در مذمت تکدی گری و سستی و کاهلی ذکرشده است. افراد نباید بی‌جهت خود را به تکدی بزنند و آبروی خود را در معرض فروش قرار دهند. اگر یک جامعه به سمت سستی و تنبلی گرایش پیدا کند، آن جامعه از پا درخواهد آمد. گاهی دیده می‌شود کسانی که توانایی کاردارند اما خیلی راحت دست نیاز دراز می‌کنند و آبروی خود را در معرض خطر قرار می‌دهند، این‌یک پدیده شوم است.**

# فضیلت کار کردن در اسلام

**فرهنگ جامعه باید به سمتی پیش رود که حتی کسی که بی‌سرپرست است برای خودکار فراهم کند. هدف کمیته امداد و بهزیستی نیز در قدم اول، دادن وام و ایجاد سرمایه برای فراهم آوردن کار است. بعضی فکر می‌کنند که به‌جای کار بهتر است که عبادت کنند. انسان باید کار کند تا سطح رفاه خانواده را بالا ببرد، با پولی که به دست می‌آورد به دیگران کمک کند، این‌ها جزوی از عبادت است. در روایات فراوانی ذکرشده است که عبادت این نیست که زندگی را رها کنیم و همیشه در اعتکاف و نماز و روزه باشیم. منطق اجتماعی اسلام این نیست که تمام‌وقت این‌چنین صرف شود. اعتدال باید حفظ شود.**

# رسیدگی به خانواده‌های شاهد

**کشور ما در دوره انقلاب و هشت سال دفاع مقدس شهدای بسیاری داد. پس‌ازآن خانواده‌های آنان تحت تکفل کمیته امداد قرار گرفتند. رسیدگی به خانواده شهدا هرچقدر انجام شود بازهم کم است و جای تلاش بیشتر دارد. مقام و منزلت فرزندان دانش آموزان و دانشجویان شهدا باید حفظ شود و در جهت تحصیل آنان توجه شود. خانواده‌های شهدا و ایثارگران نیز خود باید در جهت تداوم پیام شهدا تلاش داشته باشند.**

# انتقادپذیری دولت

جریانی که در بلژیک نسبت به‌نظام ما صورت گرفت، خوشبختانه توسط شخصیت بارز و مطرح کشور، آیت‌الله رفسنجانی و تمام اقشار مردم موضع‌گیری و اظهار تنفر شد. در جامعه ما اگر نقدی از دولت و مسئولین پیش می‌آید، نباید هراس پیدا کرد، بلکه باید در جهت صحیح از آن استفاده کرد. منطق اسلام نیز همین است که مسئول و متصدی امر مردم باید خود را جزو مردم بداند و پذیرای نقد آنان باشد. توسعه سیاسی این است که فضایی را بازکنیم تا در مورد برنامه‌های یک نظام یا مسئول موردنقد قرار گیرد و مردم و نسل جوان بتوانند صحبت کنند.

# سهم مردم از دولت

مردم هم از وابستگی شاه و هم از استبداد داخلی او به ستوه آمده بودند. انقلاب با این دو خصیصه شاه مبارزه کرد. شاه فکر می‌کرد که هیچ‌کس حق اعتراض به او را ندارد. این برای مسئولین دولت خصلت ناپسندی است. ما باید استقلال خود را در برابر کشورهایی که سوءقصدی به کشور ما دارند، حفظ کنیم. درون کشور دولت و ملت باید متحد باشند. نباید از توطئه‌های دشمنان غافل باشیم و انتقاد از دولت نباید سبب کینه‌جویی و انتقام‌جویی شود و مبانی اسلامی و انقلابی ما سبک انگاشته شود.

اکنون کشور ما زیر سلطه هیچ کشوری نیست، باید ازاین‌جهت کشور را صیانت کرد. انتقاد کردن نیز اگر در چارچوب موازین اسلامی باشد مشکلی را به بار نخواهد آورد.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الراحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. **. شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج 13، ص 127** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. همان** [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره المنافقون، آیه 8 [↑](#footnote-ref-5)
6. . شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج 13، ص 127 [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره توحید، آیات 1 تا 4 [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-9)